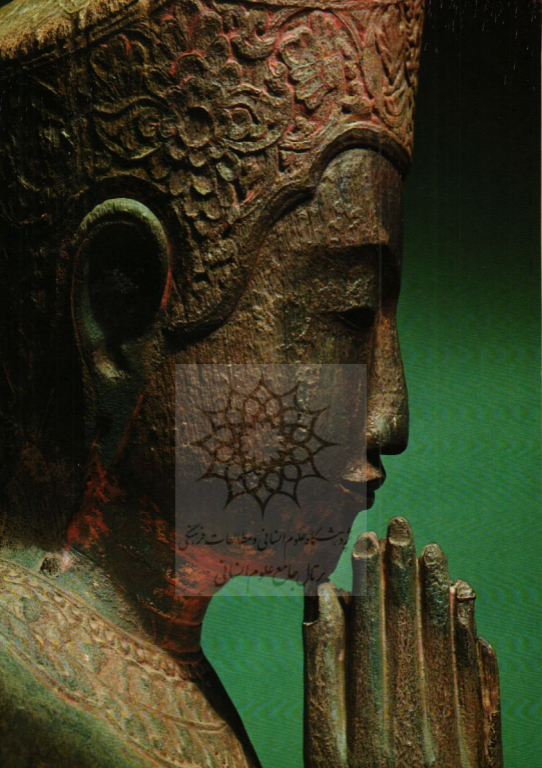


پروفیسر شکار و علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی

نوشته چئو تا- کوان

مرد اینجا دهین ماه چینی را ماه اول خود حساب می‌کنند. این ماه ۶ کی - توه نام دارد. جلوی کاخ سلطنتی جایگاه زرگی می‌سازند که گنجایش بیست هزار نفر را دارد و تمام آن را فانوس و گل تزئین می‌کنند. در مقابل آن، در فاصله بیست زری، به کمک قطعات چوبی که سرهم می‌کنند، جایگاه بلندی می‌سازند که به شکل جویسپ‌بشمایی است و برای ساختن آستوپا بکار می‌رود. هرتب سه، چهار، پنج، و شش جایگاه به این ترتیب می‌سازند و در راس آن فشفشه‌ها و ترفه‌هایی قرار می‌دهند.

مخارج این کارها را ایالات و خانواده‌های نجبا برعهده می‌گیرند و شب هنگام از پادشاه تقاضا می‌کنند که در مجلس بزم حضور یابد. فشفشه‌ها را برتاب می‌کنند و ترفه‌ها را آتش می‌زنند. فشفشه‌ها از فاصله شصت هزار پایی دیده می‌شوند. ترفه‌ها حجم بزرگ دارند و مدت زدن آنها تمام شب را به‌رزه درمی‌آورند. ماندوران‌ها و نجبا با شمع‌های بلند و مشعل در این مراسم شرکت می‌کنند.

پادشاه سفرای خارجی را نیز برای تماشا با این مراسم دعوت می‌کنند. این جریان یازده روز ادامه دارد و بعد خاتمه می‌پذیرد. همراه با جشن برپا می‌شود. در ماه چهارم قوتپ را برتاب می‌کنند. ماه نهم، مسوق «یاسیه» (یعنی، سرشاری) است برای یادیه، تمام اهالی کشور را در شش جمع می‌کنند و از مقابل کاخ سلطنتی عبور می‌کنند. در ماه پنجم به جشنجوی آب یرواه می‌شوند. یرواه‌ها هم از تمام نقاط کشور گرد می‌آورند و همراه پادشاه آنها را می‌شویند. در ماه ششم دکش‌ها را در زمین خشک می‌رانند پادشاه برایای یک ساختمان مرتفع قرار می‌گیرد و در جشن شرکت می‌کند.

در ماه هفتم «برنج می‌سوزانند». در این هنگام برنج تازه، رسیده است. برای آوردن این برنج از دروازه جنوبی خارج می‌شوند و آن را به عنوان قربانی یرواه می‌سوزانند. زنان سرشاری با آرایه‌ها و قیل به‌نامشای این مراسم می‌روند و ولی پادشاه در خانه می‌ماند. ماه هشتم، موقع «نگی - لان است» نگای - لان یعنی رقصیدن، بازیگران را نوازند که این انتخاب می‌شوند هرروز برای نگای - لان، به کاخ سلطنتی می‌روند؛ علاوه بر آن جنگ خوک و قیل هم برپا می‌اندازند. در این مراسم هم پادشاه سفرای خارجی را به شرکت در جشن دعوت می‌کند.

برای رسیدگی به امور دولتی، پادشاه روزی دو مرتبه یاز می‌دهد. چه‌بسی از ملاقات کنندگان درست می‌شود. هرکس از میان کارمندان دولت و مردم که بخواهد پادشاه را ببیند روی زمین می‌نشاند و منتظر می‌ماند. پس از مدتی، از کاخ سلطنتی نواهی دور دست شنیده می‌شود و در این وقت در خارج به‌صلاحت خوش آمد گفتن پادشاه در یرواه می‌دهند. شنیده‌ام که پادشاه در اینجا فقط از یک تخت روان طلا استفاده می‌کند و از راه درزی به آنجا نمی‌آید.

لحظه‌ای بعد وقتی از دختران کاخ با انگستان کوچک خود پرده را کنار می‌زنند و پادشاه ششمین به کف، در مقابل پنجره طلا، به‌حال استفاده ظاهر می‌شود، دولتیان و مردم دستها را بیه می‌چسبانند و سر به‌کف می‌سایند؛ وقتی صدای یرواه قطع شد، می‌توانند سرشان را بلند کنند. بلافاصله پس از آن، پادشاه جلوس می‌کند. در محلی که او می‌نشیند، هشت شیر کمرشده است که گنجینه موروثی سلطنتی محسوب می‌شود. همین که رسیدگی به‌طور تمام شد، پادشاه روی خود را بر سرگردانده مژگان برده و ماندانند و همه از جای خود بلند می‌شوند.

این چین - Tchen-las Y نیزچان - لا نامیده می‌شود. نام بومی‌اش کان - بو - چه Kan-Pou-tche است. سلسله سلطنتی کنونی براساس کتب مذهبی‌اش، این کشور را کان-پو-چه Kan-Pou-tche می‌نامند که از نظر تلفظ به کان-پو-چه نزدیک است.

کاخ سلطنتی و بناهای دولتی و محله نجبا، همه بسوی شرق پنا شده‌اند. کاخ سلطنتی در شمال «برج طلا» و «پل طلا» قرار دارد. در جایی که پادشاه به‌رامت و فتح امور می‌رود، یک پنجره طلایی وجود دارد؛ در سمت چپ و راست چارچوب و دری سونبلی مربع‌شکل، آینه‌ها قرار گرفته‌اند؛ که شماره آنها به ۹۰ تا ۵۰ می‌رسد و در دو سمت پنجره جای دارند. قسمت پایین پنجره به‌شکل قیل ساخته شده است.

همه مردم از مرد و زن و حتی شخص پادشاه، موهای خود را در پشت سر جمع می‌کنند و شاه‌ها را برهنه می‌گذارند. فقط پارچه‌هایی به‌طور کمر می‌بندند، وقتی بیرون می‌روند، یک نوار بزرگ پارچه هم روی آن می‌پوشند. در مورد پارچه‌ها قواعد بسیاری برحسب مقام و مرتبه هرکس وجود دارد.

تپا یا موهای تپانده می‌گذارند که شباهت به‌شکاف دوجا دارد. آستاره کشد. او قاج طلایی به‌سر می‌گذارد که شباهت به‌شکاف دوجا دارد. آستاره گاه نواح به‌سر می‌دهد. و فقط دست گل معطری در موهای جمع کرده‌خود قرار می‌دهد که رایحه‌اش شبیه به‌یاس است.

فقط زنان حق دارند کف پاها و دستان خود را رنگ کنند و مردان جرات این کار را ندارند. اسیران ارشد و شاهزادگان می‌توانند از پارچه‌هایی استفاده کنند که مشکی به‌شکاف و برگی‌های آن هم است. ماندوران‌های ساده می‌توانند پارچه‌هایی بپوشند که دو ردیف شاخ و برگ بر روی آن نقش شده است. در میان مردم، فقط زنان حق این کار را دارند. اما حتی اگر با کفترچینی نازوارند، پارچه‌ها با دو ردیف شاخ و برگ بپوشند. کسی را یارای این نیست که عمل او را جرم تلقی کنند، چرا که او مکتان - تینگ - یا - چاه است (مکتان - تینگ - یا - چاه، یعنی کسی که قواعد را نمی‌شناسد).

کارمندان وقتس از خانه خارج می‌شوند وضع تصافیه و تعداد ملازمان متناسب با مقام و مرتبه آنان است. سایرمرتبان کارمندان از تعداد نفوزوان یا تخت طلا و چهار تخت آتایی با دست طلا استفاده می‌کنند، افراد پشت سر آنها یک تخت روان یا تخت طلا و دو چتر آتایی با دست طلا، نوزاد نقرات پدنی یک تخت روان یا تخت طلا و یک چتر با دست طلا، و پارچه - فرات آجر. فقط یک چتر با دست طلا؛ پایین‌ترها فقط یک چتر آتای گبر با دست ظره دارند.

نوشته‌های معمولی و اسناد رسمی، همه روی پوست گوزن یا پاملاصی از این قیل که به‌رنگ سیاه در می‌آورند نوشته می‌شود. این قطعات پوست را هرکس به‌میل خود و برحسب طول و عرض آن می‌برد. مردم یونسی یوردر بکار می‌برند که به‌رنگ چین شباهت دارد. آنها به‌شکل لوله‌های کوبیده می‌آورند که صافه نامیده می‌شود. بعد این لوله را در دست می‌گیرند و روی قطعات پوست، کلمه‌هایی می‌پوشند که پاک شدنی نیست. وقتی نوشتن تمام شد، لوله را پشت گوش قرار می‌دهند. نزد آنان نیز نوشته‌ها را از روی خط می‌توان شناخت. اگر چیز مربوطی روی نوشته بیاید، پاک می‌شود. تمام اسناد از چپ به‌راست نوشته می‌شوند نه از بالا به‌پایین.

Mandarin (ماندارین) کلمه‌ای است که از سانسکریت گرفته شده و در زبان رومیزی به معنی «مردمان» ترجمه می‌شود. (۱۰۰)